

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1396/02/09



موضوع: شرط هشتم از شرائط وضو

«الثامن : أن يكون الوقت واسعاً للوضوء والصلاة بحيث لم يلزم من التوضؤ وقوع صلاته ولو ركعة منها خارج الوقت، وإلاّ وجب التيمم، إلاّ أن يكون التيمم أيضاً كذلك»^[1] شرط هشتم از شروط وضو، سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: هشتمین شرط این است که وقت واسع باشد برای وضو گرفتن و نماز خواندن به گونه ای که از وضو گرفتن وقت برای نماز کم نیاید ولو یک رکعت آن. مثلاً مکلف آب اختیار دارد و مانعی هم در کار نیست ولیکن اگر وضو بگیرد قسمتی از نماز خارج وقت قرار می گیرد در این فرض از مسئله سید می فرماید: وضو درست نیست و وظیفه تیمم است مگر اینکه وقت برای وضو و تیمم در یک حد و اندازه باشد همان مقدار مثلاً پنج دقیقه وقت را که وضو می گیرد تیمم هم پنج دقیقه وقت کار داشته باشد. اشکال نکنید که تیمم یک ضربتی به زمین می زند و به پیشانی اش می مالید و به دست هایش، این یک دقیقه می شود، نه، وضعیت طوری است که تا سنگ و خاک پیدا کند و تیمم بکند به همان اندازه ای که وضو می گیرد وقت را در بر بگیرد که در این صورت به طور طبیعی وضو مقدم است چون دلیل از یک سو دلیل بر تقدم تیمم وجود ندارد در این فرض، و از سوی دیگر اولویت وضو به ضرورت شرع نسبت به تیمم ثابت است. این متن بود که ترجمه شد و بیان شد.

نظر سید الحکیم و سید الخوئی

اما شرح مسئله: سیدنا الاستاد^[2] قدس الله نفسه الزکیه و سید الحکیم^[3] قدس الله نفسه الزکیه مسئله را بحث می کند، ما حصل بحثی که در این دو منبع آمده است از این قرار

است: درباره تیمم و وضو گفته شد که اگر آب باشد ولی وقت کافی نباشد تیمم بکند.

دو مرحله از بحث

در این مورد دو مرحله از بحث وجود دارد: مرحله اول این است که آیا کم آوردن وقت برای انجام نماز از مسوغات تیمم است یا از مسوغات نیست؟. در این مرحله از بحث آرای فقهاء به طور متضارب به ثبت رسیده است: 1. محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب معتبر می فرماید: اگر آب وجود داشته باشد ولی وضو گرفتن سبب شود که قسمتی از نماز خارج وقت بیافتد اینجا وظیفه تیمم نیست. برای اینکه تیمم وظیفه فاقد الماء هست، این شخص واجد الماء است. «لم تجدوا ماء فیتمموا» اینجا آب وجود دارد، پس وظیفه در این فرض وضوست نه تیمم. [4] رأی و نظر مشهور در کلام محقق حلی دیده می شود منتها در کتاب شرائع نه در کتاب معتبر. معتبر کلام استدلالی ایشان است و شرائع کتاب فتوای مشهور ایشان است. رأی مقابل ایشان صاحب حدائق در کتاب الحقائق الناضره می فرماید: ما درباره تیمم گفته ایم عدم وجود ماء، این عدم وجود معنایش اختصاص ندارد به عدم وجود واقعی ماء، منظور از عدم وجود عدم استفاده از ماء، آب یا اصلاً وجود ندارد یا آب غصبی است، آب هست ولی غصبی است در حقیقت عدم وجود ماء هست. وجود خارجی آب که تصرف در آن مجاز نباشد کالعدم است. بنابراین در اینجا هم آب وجود دارد اما استفاده از آن آب مجاز نیست. چون منتهی می شود به اینکه نماز آخر وقت انجام بگیرد و قسمتی از آن نماز خارج وقت باشد، در این صورت این وضو مجوّز ندارد، وضو با آبی که مجوز نداشته باشد مثل عدم آب هست یعنی آب در اختیار نیست. بنابراین در همین فرض مسئله وظیفه تیمم است نه وضو. [5] این دو رأی گفته شد. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: صحیح آن است که صاحب حدائق فرموده که در این فرض از مسئله وظیفه تیمم است. برای اینکه وظیفه مکلف از سوی شرع درباره تحصیل طهارت به دو قسم شده است: یا وضو و یا تیمم. وضو در صورتی که استفاده از آب مجاز و آب موجود باشد، تیمم در صورتی که آب نباشد یا استفاده از آب مجاز نباشد. و مطمئناً در صورتی که مکلف وضو بگیرد و جزئی از نماز خارج وقت واقع بشود این وضو مجوّز ندارد. بعد می فرماید: در صورتی که امر آمده است اطلاقات وضو، وضوی بیانیه تصریح داشت بعد وضو برای وضو. وضو گرفت و بیان کرد قبل از نماز و بعد هم مقتضای توقیت در نماز این بود که کلّ عمل نماز بین المبدأ و المنتهی باشد. و الا- توقیت معنا ندارد، لغو می شود. بنابراین نماز را خارج وقت عمداً قرار دادن خلاف نصوص است و خلاف مقتضای اطلاق و توقیت و تحدید است. بنابراین وظیفه تیمم است. این جهت اول بود. مرحله دوم از بحث این است که بر فرضی که از مرحله اول فارغ شدیم و گفتیم وظیفه در این صورت از مسئله تیمم است،

قاعده من ادرک رکعه

در مرحله دیگر بحث می کنیم که اگر در این شرائط کسی تیمم بکند که وظیفه اش است اما اگر کسی وضو بگیرد با علم به اینکه قسمتی از نمازش خارج وقت قرار می گیرد آیا این وضو درست است یا درست نیست و نمازش صحیح است یا صحیح نیست؟ گفته می شود که وضو درست باشد براساس قاعده «من أدرك ركعة فقد أدرك الصلاة كلها»، دلیل این است که ما وضو می گیریم و بعد نماز را که خواندیم قسمتی از نماز که خارج وقت قرار گرفت قاعده من ادرك می گوید نماز درست است. اگر یک رکعت از نماز اگر در وقت خوانده شود کل نماز در وقت هست. قاعده درست است، هم پشتوانه نص معتبر دارد و هم مورد توافق آرای فقهاء است، در اصل این قاعده شکی نداریم. جزء قواعد فقهیه قطعیه قاعده «من أدرك» هست. و این «من أدرك» هم درباره نماز صبح آمده است با سند صحیح هم درباره نماز عصر و غیرها آمده است. بنابراین یک قاعده فقهی معتبر است بلا اشکال. اصل قاعده جای شک و تردید ندارد. اما اینجا فرد وضو می گیرد بعد نماز را که می خواند یک تشهدش خارج از وقت می افتد، باید وضو صحیح باشد در حالی که فتوای متن و بحث این شد که یک جزء از نماز نه یک رکعت، یک جزء از اجزای واجب نماز که خارج وقت قرار بگیرد وضو درست نیست. براساس این قاعده می بینیم باید درست باشد اما سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این قاعده در این رابطه مورد تمسک قرار نمی گیرد. برای اینکه جهت قاعده چیزی است و جهت این مسئله که نماز باید همه اش در داخل وقت باشد چیز دیگری است. چون تعدد جهت وجود دارد قاعده جهتش جداست، قاعده جایی است که کسی بدون توجه یا در اثر عاملی از عواملی، مثلاً نماز صبح است و خوابش گرفت، وضو با عجله گرفت آمد دید که خیلی وقت کم است نمازش را خواند یک رکعتش داخل وقت بود، پس روایت گفت «من ادرك ركعة من الغداة فقد ادرك الصلاة كلها» که امتنانی است و جایی است که در نهایت امر مکلف اگر در ضیق وقت قرار بگیرد از حیث وقت یک توسعه ای امتناناً از سوی شرع اعلام شده است. و اما جهتی که درباره تحدید آمده و توقیت، می فرماید: صلاه باید بین المبدأ و المنتهی باشد و مقدمه صلاه موجب خروج وقت صلاه نشود. لذا سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: قاعده «من ادرك» مسووع برای جواز وضو نیست. یعنی قاعده «من أدرك» مصحح نمی شود که وضو جایز باشد در این شرائط. بنابراین نظر و رأی این شد که تحقیقاً مطابق با رأی سیدنا الاستاد و سید الحکیم که قاعده «من أدرك» در اینجا به صحت وضو کمک نمی کند. این مطلبی بود که گفته شد.

تحقیق و توضیح

اما تحقیق و توضیح: اما توضیح توجه کنید قاعده «من أدرك» یک قاعده کلی است که می فرماید: مکلف در هر شرائطی ولو ترتباً اگر کارش به جایی منتهی شد که نماز را یک رکعت در وقت انجام بدهد نمازش درست است. لذا می توانیم در تحقیق بگوییم فرمایش آن اعظم سیدنا الاستاد و سید الحکیم و غیرهم و متن در این جهت است که در حال اختیار و عن علم ابتداءً نباید مکلف مبادرت کند به وضوئی که باعث خروج وقت بشود. این وظیفه است در این مرحله. مرحله بعدی را در متن تعرض نکرده. منتها مرحله بعدی که اگر وضو گرفت چه

می شود در متن نیست. متن این است که وضو اگر باعث تفویت وقت یا باعث خروج نماز از داخل وقت بشود ولو جزئی از نماز این وضو در این مرحله جایز نیست. این درست است حقاً و صدقاً، اما اگر کسی این وضو را گرفت یا از روی علم یا از روی غفلت و بعد از وضو به نماز که شروع کرد قسمتی از آن نماز خارج وقت قرار گرفت و قطعاً یک رکعت بلکه بیشتر در داخل وقت بود پس از عبور از این مرحله منهی عنه رسید به قلمرو قاعده که قاعده می گوید «من ادرك ركعه» و تایید می کند این را که محقق حلی فرمود اگر آبی باشد و بداند وضو بگیرد قسمتی از نماز خارج وقت واقع می شود تیمم جایز نیست، باید وضو بگیرد. آینده اش را محقق حلی در نظر داشته اند که آینده کار نماز یک قسمت اندک آن خارج وقت قرار می گیرد چه می شود، قطعاً مشمول قاعده «من أدرك» خواهد شد. لذا آنچه طبق قاعده معلوم می شود ردی بر آرای این فقهاء نیست، این فقهای کبار آراء شان در یک محدوده بود جایی که ابتداءً را وضو را فکر می کند که الان این وضو باعث خروج نماز از وقت می شود در اینجا این وضو قبل از نماز جایز نیست. اما اگر کسی تخلف بکند ترتیباً یا اصلاً مثل محقق حلی بدون ترتیب مجوز اعلام بکند که این آب آب میسر و مباحی است این وضو هم صحیح است نماز هم اکثر در داخل وقت است طبق قاعده رأی و نظر محقق حلی بلا شبهه و بلا اشکال است. این اعظم و این فقهاء آن فرع دوم را در متن نیاورده اند، فقط در این محدوده بحث می کنند که وضو اگر باعث خروج وقت بشود اینجا وضو مسوِّغ ندارد بلکه تیمم، متن این مقدار است. می فرماید: «إِلَّا أَنْ يَكُونَ التَّيْمُمُ أَيْضاً كَذَلِكَ بَأَنْ يَكُونَ زَمَانُهُ بِقَدَرِ زَمَانِ الْوُضُوءِ أَوْ أَكْثَرَ، إِذْ حِينَئِذٍ يَتَعَيَّنُ الْوُضُوءُ» که گفتیم که زمان وضو و زمان تیمم در یک حد و اندازه باشد وضو مقدّر است به دو وجهی که گفته شد. «ولو توضو في الصورة الاولى» و اگر وضو بگیرد در صورت اول «بطل» در این صورت وضویش هم باطل است. وجه اش همان وجهی که گفتیم اما تحقیق آن بود که مطابق با رأی محقق حلی وضو درست باشد.

نکته

مضافاً بر اینکه امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه در تعلیقه می فرماید: «بل صحّ مطلقاً» بلکه صحیح اطلاقاً، شرحش همان بود که گفته شد. «ولو توضو في الصورة الاولى بطل» اگر در صورت اولی یعنی در صورتی که وضو باعث تفویت وقت می شد و تیمم نمی شد، در این صورت اگر وضو بگیرد باطل است، این حکم به بطلان. بعد یک تفصیل بعد از آن دارد که این نیاز به قصد و امثال ندارد این مقتضای طبیعت وضو هست. بعد شرحی که بعداً می دهد که وضو اگر به غایت دیگر باشد درست است. آن قید نیست آن طبیعت وضو است، وضو به قصد امثال امر نماز است. اینجا که گفته است توطین است که بگویند یک راه صحت هم وجود دارد جایی که وضو به قصد غایت دیگری باشد، به قصد این امر صلاه نباشد تا به این مشکل برنخورد. «ان كان قصده امثال الامر المتعلق به من حيث هذه الصلاه على نحو التقيد» همین صلاه مقیّده به این وضو، این صلاه اگر خارج وقت می شود برای شما مجوّز ندارد. «نعم لو توضو لغاية اخرى أو بقصد القرية صح و كذا لو قصد ذلك الامر بنحو الداعي لا التقيد» اینجا می گویند وضو درست است. صحت وضو که درست است، متن

عروه هم احیاناً استدلالی هم هست اینجا جزء جاهایی است که به ادله حکم هم اشاره شده است، اگر این وضو بدون غایت دیگری باشد برای قصد صلاه باشد وضو درست نیست، اما برای غایت دیگر باشد وضو برای طهارت باشد یا وضو داعی باشد که طبیعت صلاه داعی برای وضو است نه صلاه مقیّده به این طهارت. داعی که باشد اشکال ندارد، چون داعی فقط آن دعویتش را دارد سایر خصوصیت در داعی ملحوظ نیست. داعی شده است برای این وضو خصوصیت ملحوظ نیست، در این صورت وضو درست است. اما وضو درست است سیدنا الاستاد می فرماید: وضو خودش استحباب نفسی دارد پس از که استحباب نفسی داشت غایت آخری یا تقیید زمینه ندارد وضو را به قصد استحباب نفسی بگیرد درست است آثارش مترتب می شود و نماز قضاء یا نمازهای دیگر را می شود به وسیله آن انجام داد بلا شبهه، بنابراین تقیید وجهی ندارد لذا سید بروجردی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: تقیید وجه ندارد. نظر ایشان که می فرماید تقیید وجه ندارد این باشد که مکلف وقتی که وضو می گیرد غایه الامر داعی در نظرش هست. تقیید یک دقت اضافی می طلبد که از توجه و تذکر مکلف خارج است. اگر هم بگوییم امکان دارد که متحقق بشود که امر دقّی می شود و از امر عرفی و امثال عادی خارج است. بنابراین وضو درست خواهد بود. اما این قدر می توانیم بگوییم که از بیان شان استفاده می شود که وضو درست است، چون وضوی داعی همان وضوی متعارف است و درست است قصد امثال که می شود امثال امر خود وضوست داعی صلاه است، و وضو درست است، وضو که درست بود از ابتدای بحث ورق برمی گردد که در آن شرائط گفته شد که وضو درست نیست. پس از اساس وضو درست است، وضو که درست بود نماز که درک شده است بخش اعظم آن در قلمرو قاعده قرار می گیرد. بنابراین وضو درست شد و نماز هم براساس قاعده «من أدرك» درست است و لکن برای احتیاط در اینجا وجهی است که ترک نشود.

[1] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 177.

[2] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج 5، ص 357.

[3] مستمسک العروه الوثقی، السید محسن الطباطبائی الحکیم، ج 2، ص 446.

[4]المعتبر، المحقق الحلی، ج 1، ص 366.

[5] الحقائق الناضره، الشیخ یوسف البحرانی، ج 4، ص 260.